

تحلیل ماهیت نفقه

با رویکرد قوانین کنونی ایران و برخی کشورهای دیگر

دکتر فهیمه ملک‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه

چکیده

برای ایجاد رابطه‌ی سالم و دور از هرگونه درگیری بین همسران، شناخت جای‌گاه و مسئولیت هر یک از آنان در زندگی مشترک ضروری به نظر می‌رسد. در نظام حقوقی اسلام، حقوق مالی ناشی از ازدواج، در مورد زن و مرد یکسان نیست و پرداخت مهریه‌ی زن در هنگام عقد ازدواج و تأمین هزینه‌های زندگی تماماً بر عهده‌ی مرد است؛ در حالی‌که در سایر مکاتب و نظام‌های حقوقی غرب کلیه حقوق و تکالیف مالی خانواده به نسبت مساوی میان زن و مرد تقسیم می‌شود. فلسفه‌ی یک‌طرفه بودن این حق در حقوق امامیه، حدود و ویژگی‌های آن، ضمانت اجرایی، شرعی، و قانونی این الزام، و این‌که چنین تعهدی بر پایه‌ی کدام احکام و قوانین حقوقی ما تنظیم شده‌است از عمده‌ترین مباحث طرح‌شده در این نوشتار است، که تبیین علمی و استدلالی آن می‌تواند بسیاری از چالش‌های موجود در نظام حقوقی خانواده در ایران را برطرف نماید.

واژگان کلیدی

نفقه؛ هزینه؛ زوج؛ زوجه؛ تمکین؛ ناشزه؛ استقلال مالی زن؛ حق مالی؛ تکلیف؛

خانواده، از این جهت که یک نهاد حقوقی به شمار می‌آید، تابع قوانین و مقرراتی است که حقوق اعضای تشکیل‌دهنده آن، یعنی زن و مرد، و تعهدات متقابل آن‌ها را تبیین و تعریف می‌کند. در همین راستا، تأمین هزینه‌ها و مخارج زندگی، در شمار تکالیف و تعهدات مالی مرد قرار گرفته‌است، و نفقه‌ی زن و تأمین مخارج مربوط به مسکن، پوشاک، و سایر امور ضروری او نیز بخشی از این وظیفه است.

از آن‌جا که در بیش‌تر مکاتب حقوقی تأمین معاش زندگی از وظایف مشترک زن و مرد است، این مسئله باعث تفاوت نظام حقوقی خانواده در اسلام با سایر مکاتب حقوقی و نیز طرح این سؤال شده‌است که چرا این مسئولیت سنگین صرفاً بر عهده‌ی مرد قرار دارد. بدیهی است پاسخ به این سؤال اساسی هنگامی چهره‌ی پژوهشی و علمی می‌یابد که هم بر پایه‌ی نگرش جامع بر سایر حقوق و تعهدات زن و مرد باشد و هم با ملاحظه‌ی روی‌کرد نظام حقوقی اسلام به نفقه و ماهیت آن صورت گیرد؛ بنابراین شاید بتوان گفت که تبیین نفقه و تحلیل ماهیت آن به‌خوبی بتواند سؤال مطرح‌شده را پاسخ دهد.

در خصوص مباحث مربوط به نفقه، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته‌است، که نتایج آن‌ها با همین عنوان، در نوشتارهای علمی، کتب حقوقی خانواده، و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های تحصیلی به نگارش درآمده‌است؛ اما تک‌بعدی بودن این آثار و پرداختن آن‌ها به نفقه، تنها از جنبه‌ی مالی، انگیزه‌ی شده‌است تا نوشتار حاضر، نفقه و احکام آن را در پیوند با سایر حقوق و تعهدات زن و مرد مورد بازپژوهی قرار دهد.

با توجه به تطبیقی بودن این نوشتار، تلاش می‌کنیم تا با تبیین علمی و منطقی نفقه و ماهیت آن، از یک سو اشکال‌ها و ایرادهای وارد بر حکم نفقه را در نظام حقوقی اسلام پاسخ گوئیم و از سوی دیگر به بیان راه‌کارهای اجرای هرچه‌بهتر آن بپردازیم؛ هرچند که این روی‌کرد به نفقه ممکن است باعث ایجاد سؤال و نیاز به پژوهش‌های تازه شود.

از آن‌جا که حوزه‌ی بحث، مربوط به علوم نظری و انسانی است، مهم‌ترین و عمده‌ترین بخش داده‌ها را باید از میان آثار مکتوب فقهی-حقوقی، اعم از کتب متقدمان، متأخران، و معاصران جست‌وجو کرد و از رهگذر نظریه‌های مختلف و نقد و بررسی استدلال‌های ارائه‌شده در مورد هرکدام، به اصل و قاعده‌ی راهبردی این نظرات دست یافت.

پیش‌گفتار

زندگی مشترک زن و شوهر آغاز یک رشته دگرگونی‌ها است که مهم‌ترین تغییر آن جدا شدن زن از خانواده‌ی خود و زندگی مشترک با شوهر، در محلی دیگر است. این زندگی



جدید ممکن است مستقل از خانواده‌ی شوهر باشد و یا زن و شوهر فقط تا اندازه‌ی بی از استقلال برخوردار باشند، که در هر حالت باید مشخص شود که تأمین مخارج زندگی مشترک بر عهده‌ی چه کسی است و این وظیفه شامل چه چیزهایی می‌شود. هنگامی که زن و مردی تشکیل خانواده می‌دهند، شوهر به دستور قانون باید نیازهای زندگی مشترک را رفع کند و وسایل زندگی شامل مسکن، لوازم خانه، پوشاک، خوراک، و دیگر ملزومات را در اختیار زن قرار دهد؛ براین اساس لازم است که مشخص شود تأمین این نیازها باید بر چه پایه‌ی و تا چه حدودی صورت گیرد. طبیعی است زن و شوهر سازگار و با محبت، در این امور به‌آسانی به توافق می‌رسند؛ شوهر کوشش می‌کند آن‌چه در توان دارد برای آسایش همسرش فراهم کند و زن نیز از شوهر خود چیزی نمی‌خواهد که توانایی انجام آن را ندارد؛ زیرا زندگی و خواست آن دو از یک‌دیگر جدا نیست و هر دو خواستار آسایش و آرامش خانواده اند.

مفهوم نفقه

نفقه در لغت

دانشمندان علم لغت برای واژه‌ی نفقه ریشه‌های متفاوتی را بیان کرده‌اند (شرتوتی ۱۳۳۱:۱۸۸۹):

- ۱ - «النفقة اسم منه و جمع نفاق»^۱
 - ۲ - «و نفق الشی نفقاً»^۲
 - ۳ - «انفقته»^۳ (مقری الفيومی بی:تا:۳۲۷)
 - ۴ - «نفق الشیء و نفد»^۴ (راغب اصفهانی بی:تا:۵۲۳)
 - ۵ - «النفقة اسم من الاتفاق و ما تنفقه من الدراهم و نحوها»^۵
- و نیز گفته شده‌است که این ماده معانی مختلفی دارد:
- ۶ - «نفقت الدابه نفوقاً»^۶
 - ۷ - «نفقت الدراهم»^۷

^۱ نفقه اسم مصدر و جمع آن نفاق است.

^۲ از میان رفت.

^۳ آن را از بین بردم.

^۴ شیء رفت و تمام شد.

^۵ نفقه اسم نفاق است و آن چیزی از درهم و مانند آن است که خرج می‌شود.

^۶ چهارپا مرد.

^۷ پول‌ها خرج شد.

– «نفق البیع نفاقاً»^۱

– «انفق المال ارباب»^۲

و نفقه یعنی بخشش، هزینه‌ی زندگی، و آنچه در راه خدای تعالی به کسی دهند و جمع آن نفاق و نفقات است (ابن‌منظور ۱۳۷۴:ق:۳۵۷؛ شعرانی ۱۴۹۸:ق:۳۲۸؛ فیروزآبادی ۱۳۰۸:ق:۱۱۹۵).

نفقه در اصطلاح

نفقه از دیدگاه فقهای امامیه

فقهای امامیه معمولاً نفقه را به معنای غذا، لباس، مسکن، و دیگر ملزومات زندگی گرفته و گفته‌اند نفقه‌ی زن دائمی واجب است؛ به شرط آن‌که نسبت به شوهر، در هر زمان و مکانی که کامجویی روا است به‌طور کامل تمکین کند؛ بنابراین، زن نابالغ، ناشزه^۳، و زنی که خود را برای تمکین به شوهر عرضه نکرده‌است حق نفقه ندارد (مکی ۱۴۰۶:ق:۲۰۵) و نیز معتقد اند که اموال، با دادن آن از طرف زوج به زوجه به‌عنوان نفقه، به ملکیت او درمی‌آید و دلیل آن را آیه‌ی شریفه‌ی «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف»^۴ (قرآن: بقره: ۲۳۲) می‌دانند (طوسی بی‌تا: ۲۱۰؛ طباطبایی ۱۳۷۱:ج:۵۵:۵۵). برخی نیز گفته‌اند نفقه‌ی زن دائم بر مرد واجب است؛ مشروط بر این‌که زوجه تمکین تام و تمام کند و مرد نیز قدرت پرداخت داشته‌باشد و گرنه از زکات تأمین می‌شود (حلی ۱۳۷۶:۲۳۷).

مراجع معاصر نیز نظراتی مشابه دارند:

«زنی که عقد شد نباید بدون اجازه‌ی شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد تسلیم نماید، بدون عذر شرعی از هم‌خوابگی او جلوگیری نکند، و اگر زن از شوهر اطاعت کند، تهیه‌ی غذا، لباس، و غیره زن بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند، چه توانایی داشته و چه نداشته‌باشد، مدیون زن است.» (موسوی خمینی ۱۹۶۵:م:۳۱۵). شبیه همین نظر را فقهای دیگر نیز بیان کرده‌اند (موسوی خمینی و هم‌کاران ۱۳۷۶:۵۸۴).

نفقه در اصطلاح فقهای عامه

نفقه در اصطلاح فقهای عامه نیز چیزی است که انسان برای خانواده، همسر، نزدیکان، و بندگان‌اش خرج می‌کند و شامل خوراک، پوشاک، و مسکن می‌شود (الجزیری ۱۴۱۷:ق:۵۵۴):

^۱ داد و ستد رواج پیدا کرد.

^۲ مال را خرج کرد.

^۳ به عوامل سقوط نفقه رجوع شود.

^۴ و به عهده‌ی صاحب فرزند [یعنی پدر] است که خوراک و پوشاک مادر را به حد متعارف و شایسته بپردازد.



البته بعضی از فقهای عامه نیز نفقه را به معنای خوراک گرفته‌اند، چنان‌که ابن‌عابدین معتقد است معنای شرعی نفقه شامل خوراک، پوشاک، و مسکن می‌شود، اما معنای آن در شرع اسلام فقط مختص به خوراک است و شامل پوشاک و مسکن نمی‌شود. فقهای عامه در تعیین مقدار نفقه، وقتی زوجین هر دو ثروتمند باشند به «نفقه‌ی یسار»، یعنی نفقه‌ی شخص متمکن، و هر گاه هر دو بی‌چیز باشند به «نفقه‌ی اعسار»، یعنی نفقه‌ی شخص تنگ‌دست حکم می‌کنند؛ که در این مورد همه‌ی مذاهب اتفاق نظر دارند، اما در تعیین نفقه‌ی مواردی که یکی از زوجین ثروتمند، و دیگری بی‌چیز و فقیر باشد، بین فقها اختلاف نظر است (مغنیه ۱۴۲۰:ق:۳۹۱-۳۹۲)؛ گروهی بر این عقیده‌اند که باید حال زوج را در نظر گرفت و برخی معتقد‌اند موقعیت زوج باید مد نظر قرار گیرد.

نفقه از دیدگاه حقوق غرب

حقوق و قوانین غرب نیز همان نظریه‌ی مشهور را در مورد نفقه دارند و آن را شامل خوراک، پوشاک، مسکن، و ملزومات زندگی می‌دانند. در ایالات متحده‌ی آمریکا واژه‌ی Maintenance تقریباً معادل کلمه‌ی نفقه، و شامل غذا، لباس، و مسکن است؛ ولی در اصطلاح حقوقی شامل دیگر نیازمندی‌های معقول، مثل هزینه‌های رفت و آمد، هزینه‌های دارو و درمان، و از این دست ملزومات نیز می‌شود (امامی ۱۳۸۹:۱۰۶).

در انگلیس نیز واژه‌ی Maintenance به پول قابل‌پرداخت برای هزینه‌های زندگی شخصی همسر و فرزندان گفته می‌شود. حقوق‌دانان انگلستان الزام به نفقه را، با این توضیح که شوهر در هنگام ازدواج متعهد شده‌است که از خانواده‌اش حمایت کند، ناشی از تعهد شخصی زوج دانسته‌اند (گلدستین و کاتز^۱ ۱۹۶۵:۵۹۰).

از تعریف نفقه در حقوق فرانسه چنین برداشت می‌شود که نفقه، تنها عبارت از تعهد مالی شوهر در برابر زن نیست، بلکه دربرگیرنده‌ی تعهد مالی زن در برابر شوهر و حتی تأمین مالی فرزندان تحت سرپرستی او نیز می‌شود؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در قوانین فرانسه و بسیاری از کشورهای غربی دیگر، که به این رویه پای‌بند‌اند، نفقه به‌عنوان یکی از تعهدهای اختصاصی و لازم‌الاجرای شوهر در برابر زن شناخته نشده و تنها جزء حقوق قراردادی زن و شوهر است، که بستگی به نیاز و تمکن مالی هر یک از زوجین دارد (قانون مدنی فرانسه، ماده‌ی ۲۸۸).

¹ Goldstein, Joseph, and Jay Katz

اسباب و شرایط وجوب نفقه در حقوق اسلام

شرط وجوب نفقه در اسلام در زوجیت دو چیز است:

- ۱- عقد دائمی؛
 - ۲- تمکین کامل زوجه؛ مگر این‌که دارای عذر شرعی باشد.
- پس نفقه پس از عقد، در صورت تمکین، واجب، و در صورت عدم تمکین، از عهده‌ی مرد ساقط است و تا هر زمان که زن تمکین کامل نکند، مرد موظف به پرداخت نفقه نخواهد بود (موسوی الخمینی ۱۹۶۵:م:۳۱۳؛ نجفی ۱۳۷۷:ق:۳۰۴؛ حلی ۱۳۷۳:ج:۲:۳۴۷).
- حدود نفقه در قانون مدنی ماده‌ی ۱۱۰۷ چنین آمده‌است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث‌اللبیت، که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد، و خادم یا احتیاج او به واسطه‌ی مرض یا نقصان اعضا»؛ پس نفقه‌ی زن شامل تمام امکانات و لوازم مورد نیاز زندگی است، که فقهای اسلام نیز در مواردی آن‌ها را بیان کرده‌اند:
- ۱- مسکن- در صورت تعدد زوجات هر زن حق دارد مسکن جداگانه بخواهد (قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۱۱۴)؛
 - ۲- غذا، نان، و لباس- از لحاظ کمیت و کیفیت در حد نیاز و به‌طور متعارف و متناسب با شئون و عادت‌های زن، عرف، و عادت‌های امثال آن زن در محل زندگی (قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۱۱۴). برخی از فقها مواردی مانند چای، قهوه، و میوه‌ی متناسب با فصل و امثال آن را نیز به‌طور متعارف و در حد لازم جزء نفقه بیان کرده‌اند (مکی ۱۴۰۶:ق:۱۲۱)؛
 - ۳- پوشاک- به مقدار کافی و از نوع متعارف و متناسب با محل زندگی، عادت‌های زن، و فصول سال؛
 - ۴- لوازم منزل- فرش و پوشش و وسایل خواب و استراحت در حد نیاز و متناسب با عرف و عادت و همچنین وسایل نظافت و آرایش در حد متعارف و متناسب با زمان، مانند صابون؛
 - ۵- وسایل پخت و پز و لوازم آشپزی در حد متعارف؛
 - ۶- خدمت‌کار- در صورتی که زوجه به لحاظ موقعیت خانوادگی در خانه‌ی پدرش مستخدم داشته، یا بیمار است و شخصاً نمی‌تواند کارهای شخصی خودش را انجام دهد (نجفی ۱۳۷۷:ق:۳۱:ج:۲:۳۴۷؛ حلی ۱۳۷۳:ج:۲:۳۴۷؛ موسوی الخمینی ۱۹۶۵:م:۳۱۵؛ محقق داماد ۱۳۷۴:۳۹۰). در هر یک از این دو حالت، مرد می‌تواند شخصاً به خدمت زن اقدام، و یا خدمت‌کاری برای او استخدام کند؛



۷- هزینه‌ی درمان بیماری‌های جزئی و عادی- جزء نفقه محسوب می‌شود و مرد موظف به تأمین آن است؛ اما نسبت به درمان امراض صعب‌العلاج که مستلزم هزینه‌های سنگین است تردید کرده‌اند (موسوی الخمینی ۱۹۶۵م: ۳۱۷).

علاوه‌بر موارد بالا، سایر نیازها و لوازم زندگی، بنا به مقتضیات زمان و محل و در حد متعارف (مانند تهیه‌ی سوخت)، به عهده‌ی زوج است.

هزینه‌ی سفر، اگر به خاطر امور ضروری، مانند درمان بیماری باشد به عهده‌ی زوج است، ولی پرداخت مخارج مسافرت به دلیل ادای فریضه‌ی شرعی، بر شوهر واجب نیست.

در مورد هزینه‌ی زایمان و این که آیا مشمول قانون ۱۱۰۷ قانون مدنی می‌شود و با تمکین یا نشوز زن تفاوت حکم پیدا خواهدشد یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد؛ قانون مدنی ایران در مورد مخارج زایمان ساکت است و لذا با توجه به اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی که مقرر می‌دارد قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوی را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید، لزوماً باید در منابع فقه اسلامی حل قضیه را جست‌وجو نمود. هرچند فقها در خصوص نفقات و حدود آن در کتب خود فصلی مشع باز نموده، لیکن هیچ یک به‌تصریح در مورد هزینه‌ی زایمان سخن نگفته‌اند. در مورد مخارج درمان و معالجات که به‌رحال بر زایمان نیز شمول دارد از فقهای متأخر، *اصفهانی* معتقد است که مخارج درمان بیماری‌هایی که در طول عمر، نوعاً انسان به آن مبتلا می‌شود به عهده‌ی شوهر است؛ اما مخارج بیماری‌های غیرمعمول و صعب‌العلاج از جمله‌ی نفقات واجبه نیست. همین نظر در *تحریر الوسیله* مورد قبول قرار گرفته (موسوی الخمینی ۱۹۶۵م)؛ لکن موسوی خوئی در کتاب *منهاج‌الصالحین* پیش‌تر رفته، هزینه‌ی هر نوع بیماری را جزء نفقات واجبه شمرده‌است؛ حتا مخارج سفری که برای علاج ضرورت دارد از جمله نفقات واجبه می‌دانند (موسوی خوئی ۱۴۱۰ق). برخی از فقها با استناد به آیه‌ی «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف»^۱ (قرآن: بقره: ۲۳۲)، عرف را ضابطه‌ی تشخیص نفقه دانسته‌اند. به‌رحال تردید نیست که مخارج زایمان از نظر عرف جزء نفقه محسوب می‌شود. به‌علاوه، از وجوب نفقه برای مطلقه‌ی حامل تا وضع حمل، حتا در طلاق بائن، که در غیر حمل نفقه به آن تعلق نمی‌گیرد، مسلم است که این وجوب از باب حامل بودن زن است و مخارج وضع حمل بی‌هیچ تردید از تبلیغات حمل و بر عهده‌ی زوج است و این الزام در این مورد به‌خصوص منوط به تمکین نیست؛ زیرا وجوب نفقه از باب حمل است چنان‌که در طلاق خلع که اصولاً به‌لحاظ

^۱ و به عهده‌ی صاحب فرزند [یعنی پدر] است که خوراک و پوشاک مادر را به حد متعارف و شایسته بپردازد.

عدم تمکین واقع می‌شود و یا در عده‌ی وفات که تمکین در آن مطرح نمی‌باشد نفقه واجب نیست؛ لکن در صورت حامل بودن زن، باید تا وضع حمل برداشت شود. این معنی نیز به‌وضوح از ماده‌ی ۱۱۰۹ قانون مدنی مستفاد می‌شود» (اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه ۱۳۶۱).

آنچه اهمیت دارد این است که شوهر، به‌عنوان رئیس خانواده، باید تأمین معاش زن و فرزندان خود را عهده‌دار شود. از آن‌جا که تحول شیوه‌ی زندگی، هر روز نیازهای تازه به وجود می‌آورد، این نیازها را نمی‌توان در چهارچوبی معین محصور کرد و ناچار باید دآوری را به عهده‌ی عرف گذارد؛ برای مثال، هزینه‌های درمان و داروی زن نیز جزء نفقه و به عهده‌ی مرد است؛ بنابراین در تعریف نفقه‌ی زن می‌توان گفت: «تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه‌ی تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است و تشخیص این‌که کدام وسیله را بایستی از ارکان نفقه شمرد، با عرف است و ملاک ثابتی ندارد.» (کاتوزیان ۱۳۷۲:۱۸۷).

در قوانین مسیحیان، بیش‌تر به حالت زوج توجه شده‌است؛ چنان‌که در قوانین لبنان برای پروتستان‌ها (ماده‌ی ۳۰)، سریانی‌ها (ماده‌ی ۳۴)، و ارمنیان (ماده‌ی ۴۷) حالت زوج و استطاعت مالی او معیار تعیین مقدار نفقه است (کاتوزیان ۱۳۷۲:۱۸۷) و در آیین‌نامه‌ی اقلیت‌های مسیحی ایران، ارامنه‌ی گریگوریان (ماده‌ی ۳۷)، ارامنه (ماده‌ی ۴۴)، و ارتودوکس (ماده‌ی ۲۱) نیز همین قانون حکم‌فرما است. تنها در مقررات کلیسای پروتستان (ماده‌ی ۴۸) است که مقدار نفقه به‌طور متعارف و متناسب با وضع مالی زوجین تعیین شده‌است (شریف ۱۳۴۶:۱۵۵-۱۶۰).

در کشورهای اسلامی مانند مصر (ماده‌ی ۱ قانون صادره ۱۳۲۱/۱۲/۷)، تسلیم شدن زوجه به شوهر را دلیل وجوب نفقه می‌دانند، اما در قانون سوریه (م ۷۲ ق احوال شخصیه) و عراق (م ۲۳ ق احوال شخصیه)، نفقه را از هنگام عقد صحیح واجب می‌دانند، هرچند که زوجه در منزل پدرش ساکن باشد؛ مگر این‌که شوهر او را به منزل خویش دعوت کند و او بدون عذر شرعی امتناع ورزد. در این قانون، پرداخت نکردن مهریه و نفقه، یا فراهم نکردن منزل مناسب، در عدم انتقال به منزل شوهر، عذر شرعی محسوب می‌شود (مجله‌ی احوال شخصیه، فصل ۳۸).

از نظر شرعی اندازه‌ی خاصی برای نفقه مطرح نیست و ملاک، فراهم کردن خوراک، پوشاک، و نیازهای زندگی است؛ اما در ماده‌ی ۱۱۰۷۰ ملاک تعیین نفقه، وضع زن قرار داده‌شده‌است، که به نظر بعضی از فقها و حقوق‌دانان، وضع مالی شوهر نیز باید مورد توجه قرار گیرد (مغنیه ۱۴۲۰:۳۲۳).



در مورد شیوهی پرداخت نفقه، بسیاری از فقها معتقد اند زن حق انتخاب هر یک از دو صورت زیر را دارد (حلی ۱۳۷۳: ج ۲: ۳۵۰):

- ۱- زن نفقه‌اش را روزانه طلب کند، مرد پردازد، و زن شخصاً آن را هزینه کند.
- ۲- زوج با تأمین هزینه‌های زندگی، به‌طور مشترک با زوجه در یک خانه زندگی کند؛ در این صورت زوجه نمی‌تواند نفقه‌اش را به‌طور جداگانه مطالبه کند.

عوامل سقوط نفقه در اسلام و غرب

مطابق ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی «هرگاه زن، بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود» (جعفری لنگرودی ۱۱۰: ۱۳۵۵). امتناع از وظایف زوجیت را، چه از جانب زوج و چه از جانب زوجه، نشوز می‌نامند و مرد امتناع‌کننده، ناشز، و زن امتناع‌کننده، ناشزه خوانده می‌شود. ماده‌ی بالا نشان‌دهنده‌ی نشوز زوجه از زوج، یعنی خروج از طاعت زوج در امور واجب است، که علاوه بر عدم تمکین خاص، شامل مواردی مثل خروج از منزل، بدون اجازه‌ی زوج و عدم سکونت در منزل مناسب نیز می‌شود. در صورتی که زن دارای مانع مشروع نباشد، نشوز، ساقط حق نفقه است. مانع مشروع به آن دسته عذرهای شرعی گفته می‌شود که زن با وجود آن‌ها از انجام وظایف معذور است و طبق ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی، شامل موارد زیر است (بشری قمی ۱۱۰: ۱۳۷۶):

- ۱- برای یک مورد هم تمکین نکرده باشد؛
 - ۲- حالت حیض و نفاس؛
 - ۳- روزهی واجب؛
 - ۴- عمل واجبی که وقت مضیق دارد؛
 - ۵- کسالتی که پزشک او را از انجام آمیزش بازداشته است.
- بدین ترتیب در قوانین مدنی، هنگامی که عدم ایفای وظایف زناشویی به‌وسیله‌ی زن ثابت شود، دادگاه به‌عنوان مجری قانون، او را ناشزه اعلام می‌کند و نفقه‌ی زن ناشزه از زمان امتناع قطع می‌شود.
- قانون‌گذار، سکونت زن را در خانگی که شوهر تعیین کرده است، نشانه‌ی این می‌داند که زن به وظایف زوجیت نسبت به شوهر عمل کرده است؛ مگر آن‌که زن، خلاف آن را اقرار کند؛ مثلاً چنانچه زن با وجود هم‌زیستی با مرد در یک خانه به‌صراحت اعلام کند که به‌هیچ‌روی تن به هم‌خوابگی با شوهر خود نمی‌دهد، همین اقرار روشن می‌تواند پایه‌ی صدور حکم دادگاه مبنی بر ناشزه بودن او و عدم تعلق نفقه شود.

حقوق‌دانان در تعریف تمکین به دو مفهوم توجه دارند؛ اول، تمکین عام که به‌خصوص در ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی مورد نظر قانون‌گذار است و شامل حسن معاشرت، مراعات شئون و منزلت شوهر، احترام به او در مراجعات و رفت و آمد به خانه، و حفظ آرایش، پاکیزگی، زیبایی، و خوش‌رفتاری در برابر شوهر می‌شود؛ به‌طوری که با سن زن و شوهر، شغل، و شخصیت اجتماعی آن دو تناسب داشته‌باشد، و دوم، تمکین خاص، که فقط به مفهوم هم‌خوابگی با شوهر است و پرداخت نفقه به آن بستگی دارد که زن از هم‌خوابگی امتناع نکند. در بیان تمکین با مفهوم خاص، ماده‌ی ۱۰۸۵ قانون مدنی روشن‌گر است: «زن می‌تواند تا مهریه به او تسلیم نشده، از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این‌که مهر او حال باشد و این امتناع ساقط حق نفقه نخواهد بود.» ارتداد زوجه نیز از جمله‌ی مواردی است که موجب ساقط شدن نفقه می‌شود؛ اما چنان‌چه از ارتداد بازگردد، از او پذیرفته‌است و مرد موظف به پرداخت نفقه خواهد بود (حلی ۱۳۷۳: ج ۲: ۳۵۰).

مورد دیگری که در آن نفقه وجود ندارد، نفقه‌ی مطلقه است، که در قانون مدنی نیز آمده‌است (قانون مدنی ایران، ماده‌ی ۱۱۰۹). «نفقه‌ی مطلقه‌ی رجعیه در زمان عده بر عهده‌ی شوهر است؛ مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده‌باشد؛ لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق باین باشد زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود، که در این صورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.» (موسوی الخمینی ۱۹۶۵: م ۳۱۸). در این مورد، نظر درست این است که نفقه برای حامل است نه حمل؛ به دلیل آیه‌ی شریفه‌ی «انفقو علیهن»^۱ (قرآن: طلاق: ۶) و فرمایش امام^۲ «علیه نفقتها»^۳ (مغنیه ۱۴۲۰: ق ۳۲۰)، که هر دو ظهور در نفقه‌ی حامل دارند نه حمل؛ وانگهی در نظر عرف، حمل، موضوع نفقه نیست و قانون مدنی نیز نظر مشهور را پذیرفته‌است (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۳۶۴).

موارد دیگر سقوط نفقه، در ماده‌ی ۱۱۱۰ قانون مدنی با مضمون «در عده‌ی وفات، زن حق نفقه ندارد» (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۱۱۱)، و نیز در ماده‌ی ۱۱۱۳ قانون مدنی با این عبارت که «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد؛ مگر این که شرط شده یا آن که عقد، مبنی بر آن جاری شده‌باشد» ذکر شده‌است. هرگاه در ضمن عقد نکاح منقطع، زوج به دادن نفقه تعهد کند، نام آن، شرط ضمن عقد است و اگر قبل از عقد آن تعهد را انجام دهد، آن را شرط «بنایی» یا شرط «تبانی» نامند که باید صراحت کافی داشته‌باشد و ارتباط

^۱ نفقه‌ی آنان را بپردازید.

^۲ نفقه‌ی زن بر عهده‌ی مرد است.



عقد با آن شرط محرز و مسلم باشد. علت صحت آن این است که شرط مزبور نه مخالف شرع است و نه خلاف مقتضای عقد (همان: ۱۱۲).

در حقوق ایالات متحده در صورت ازدواج دوباره‌ی همسر، نفقه‌ی او قطع می‌شود؛ مگر آن‌که دادگاه (هنگام طلاق)، رأی دیگری صادر کند.

استنکاف از پرداخت نفقه از سوی شوهر و کیفر آن

اگر شوهر برای مدتی نفقه زن را نپردازد مدیون او است و همواره زن می‌تواند نفقه‌ی گذشته را، که جزء دیون ممتاز محسوب می‌شود، مطالبه کند. طبق ماده‌ی ۱۲۰۶ قانون مدنی، زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه‌ی زمان گذشته‌ی خود اقامه‌ی دعوی کند و طلب او از بابت نفقه‌ی مزبور، طلب ممتاز، و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن، مقدم بر غرما خواهد بود (مهریور ۱۳۷۹: ۴۳). هم‌چنین در ماده‌ی ۱۱۱۱ قانون مدنی نیز آمده‌است: «زن می‌تواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه، به محکمه رجوع کند. در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد.» (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۱۵۶).

یکی از موارد نشوز زوج، خودداری او از پرداخت نفقه‌ی زن است که در این صورت همانند سایر دیونی که در صورت مطالبه از سوی داین و عدم پرداخت، حاکم، مدیون را ملزم به پرداخت می‌کند، در این جا نیز حاکم، نخست به زوج دستور می‌دهد که نفقه‌ی زوجه‌اش را بپردازد و چنانچه باز هم از اجرای دستور تخلف کند به اندازه‌ی نفقه‌ی زوجه از اموال او گرفته و در اختیار زوجه قرار داده می‌شود (جعفری لنگرودی ۱۳۵۵: ۱۵۶)؛ چون ترک انفاق از معاصی الهی است و حاکم می‌تواند زوج را به خاطر ارتکاب معصیت تعزیر کند (موسوی الخمینی ۱۹۶۵: ۳۰۶).

به موجب ماده‌ی ۱۰۵ قانون تعزیرات نیز ترک انفاق جرم است، ولی رسیدگی به امر اجرایی موضوع این ماده، در همان دادگاه مدنی خاص است. نکته‌ی دیگر این‌که هرگاه شوهر علاوه بر زن خود افرادی دیگر را نیز به حکم قانون تحت سرپرستی داشته و موظف به تأمین زندگی ایشان باشد، اما نتواند نفقه‌ی همه‌ی این افراد را بپردازد، تأمین زندگی زن بر دیگران مقدم است (عراقی ۱۳۶۹: ۷۹-۸۰).

ماده‌ی ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ دستور می‌دهد «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه‌ی زن خود را در صورت تمکین ندهد و یا از تأدیه‌ی نفقه‌ی

سایر اشخاص واجب‌النّفقه امتناع نماید، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید).

ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی نیز، بر اجرای تکلیف شوهر بر پرداخت نفقه تأکید دارد: «زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه‌ی زمان گذشته‌ی خود اقامه‌ی دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه‌ی مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود، ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه‌ی نفقه نمایند». با آن‌که ظاهر عبارات قانونی در مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷ قانون مدنی متوجه تأمین رفاه زنان است، اما این تکلیف هنگامی الزامی می‌شود که زن طبق مفاد ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی به وظایف زوجیت عمل کرده باشد؛ بنابراین ضروری است تا در قدم اول، منظور قانون‌گذار را از «وظایف زوجیت» بشناسیم. آنچه ماده‌ی ۱۱۰۸ قانون مدنی بدان توجه دارد این است که زن امکانات جسمانی خود را برای تمتع جنسی مرد از او دریغ نکند و نظر به این‌که احراز این موضوع برای دادگاه سهل و ساده نیست، رویه چنان است که هم‌زیستی زن با شوهر زیر یک سقف و در یک واحد مسکونی به این تعبیر شود که زن از ادای وظایف زوجیت خودداری نکرده است.

در بریتانیا دادگاه می‌تواند حکمی صادر کند مبنی بر پرداخت نفقه و یا انتقال ملک یا مال از یکی از زوجین به دیگری، که نفقه‌ی مربوط به هزینه‌ی خانه به مدت کم و بیش طولانی و به صورت ماهانه و یا سالانه پرداخت می‌شود. در چنین مواردی، دادگاه هر یک از دو طرف را، با در نظر گرفتن وضعیت ویژه‌ی او، در شرایط اقتصادی مشابه قبل از طلاق قرار می‌دهد؛ همانند آن‌که هر یک از آن‌ها به تعهدات خود نسبت به دیگری عمل نکرده باشد و طلاق گسستی است که بر وابستگی اقتصادی میان زن و شوهر نقطه‌ی پایان می‌گذارد (نادی ۱۳۷۶:۹۹).

در آلمان نفقه‌ی که شوهر برای اداره‌ی خانه می‌دهد از عوامل طلاق، مستقل است. نفقه‌ی ماهانه باید بر اساس انصاف و این‌که آیا زوجی که با بچه‌ها به سر خواهد برد، قادر به اداره‌ی آنان با درآمد شغلی و یا ثروت فردی خود خواهد بود یا خیر، در نظر گرفته شود. (نادی ۱۳۷۶:۹۹).

نفقه از دیدگاه اسلام و فلسفه‌ی وجوب آن

در قوانین اسلامی، نفقه یک نهاد حقوقی-امضایی است و با آن‌چه در دنیای غیراسلامی جاری است، تفاوت دارد. نفقه در پاره‌یی از ادیان و اعصار پیش از اسلام نیز وجود



داشته‌است، اما اسلام آن را با بلندنظری ویژه تثبیت بخشید و تفکیکی قابل‌ملاحظه میان نهاد نفقه و نهاد برده‌داری قائل شد. علاوه‌بر تثبیت نهاد نفقه در میان مسلمانان، تلاش بلندنظرانه‌ی اسلام برای محو تدریجی نهاد برده‌داری نیز ستایش‌برانگیز است (حکیم‌پور، ۱۳۸۲: ۲۴۳).

این دین، حتا در تلقی زمان ظهور خود، میان دادن حق نفقه به زنان از یک سو و تعهدات و تکالیف مادی جبران‌کننده‌ی برای آنان از سوی دیگر ارتباطی برقرار نمی‌کند. شریعت اسلام، برخلاف پاره‌یی از مکاتب فمینیستی—که بر استقلال اقتصادی زن پای می‌فشارند—با وجود حمایتی که از خانواده به عمل می‌آورد، روی استقلال اقتصادی زن خط بطلان نمی‌کشد و این حمایت را نه فقط بر اساس چهارچوبی حقوقی، بلکه بر پایه‌یی اخلاقی نیز استوار می‌سازد؛ چنان که حتا گاه پس از گسست پیوند زناشویی، تا زمانی که زن در عده به‌سر می‌برد، زوج را به پرداخت نفقه و نیز تهیه‌ی مسکن جداگانه‌ی متناسب با شأن زن مکلف می‌کند (مکی ۱۴۰۶: ۸۶-۸۸) و در هر حال شوهران را از بیرون کردن زنان مطلقه از خانه‌های خود، به‌جز در صورت ارتکاب فحش‌های آشکار، باز می‌دارد (طلاق)؛ بدین ترتیب از شیوه‌ی بیان آیه‌ها و لحن خطابه‌های قرآن و متون دینی اسلام می‌توان دریافت که در زندگی زناشویی و جمع خانوادگی، مرد مسئول کسب مال و فراهم کردن اسباب زندگی است و زن از این جهت مسئولیتی ندارد (مهرپور ۱۳۷۴: ۲۳۶).

ملاک نفقه چیست؟

قانون خلقت، برای این‌که زن و مرد را بهتر و بیش‌تر به یک‌دیگر پیوند دهد و کانون خانوادگی را، که پایه‌ی اصلی سعادت بشر است، استوارتر سازد، زن و مرد را نیازمند به یک‌دیگر آفریده‌است و اگر از جنبه‌ی مالی، مرد را نقطه‌ی اتکای زن قرار داده، از جنبه‌ی آسایش روحی نیز زن را نقطه‌ی اتکای مرد کرده‌است، تا این دو نیاز مختلف آن‌ها را بیش‌تر با یک‌دیگر نزدیک و متحد کند (مطهری بی‌تا: ۲۰۷ و ۲۱۶) و فلسفه‌ی وجوب نفقه این است.

برخی آیات صریحاً و بعضی با استفاده از تفاسیر و روایات بر وجوب نفقه دلالت دارند که ما به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»^۱
(قرآن: نساء: ۳۴).

در تفسیر این آیه، طباطبایی «قیم» را «هو الذی یقوم لامر غیره» معنا می‌کند، یعنی کسی که عهده‌دار مخارج دیگری شده او را مورد انفاق قرار می‌دهد. قوام و قیام نیز صیغه‌ی مبالغه‌ی آن است و منظور از «بما انفقوا» نیز، انفاق در مهریه‌ی همسران و نفقه‌ی آنان است (طباطبایی ۱۳۷۱: ۴۰۷: ۵۰۷). طوسی نیز «بما حفظ الله» را که در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه آمده‌است («فالمالجات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله»)^۲، به آن‌چه خداوند برای آنان در مهریه‌هایشان و در الزام زوج به نفقه‌ی ایشان مقرر کرده‌است تفسیر می‌کند (طوسی بی‌تا).

«و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها»^۳ (قرآن: بقره: ۲۳۳).

طوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «معنای آیه این است که بر پدر طفل، خوراک و پوشاک مادر، فرزندش، که او را طلاق داده واجب است، تا زمانی که مادر، فرزند را شیر می‌دهد.» (طوسی بی‌تا: ج ۲: ۲۵۶). که این مسئله برای آرامش روحی مادر و پرداختن به پرستاری و تربیت فرزند بسیار اهمیت دارد. در این زمان که رابطه‌ی زناشویی قطع شده‌است، طبعاً نباید هزینه‌ی زندگی مادر پرداخته‌شود، چرا که نفقه، حق زینت بخشیدن به آشیانه‌ی مرد است و اینک آشیانه‌ی او از هم پاشیده شده‌است و لزومی ندارد نفقه برای زن ادامه پیدا کند. با این وجود، اسلام رعایت حال مادر و فرزند را در نظر دارد و می‌داند که تغذیه‌ی جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد. بنابراین، حق نگهداری و سرپرستی را بر عهده‌ی مادر می‌گذارد، تا عواطف مادری را نیز رعایت کرده‌باشد.

«اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم و لا تضاروهن لتضیقوا علیهن و ان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعهن حملهن»^۴ (قرآن: طلاق: ۶).

چنانچه ملاحظه می‌شود، این آیه به وجوب نفقه برای مطلقه‌ی حامله تصریح می‌کند، چه رجعیه و چه اجماعاً. پس وقتی چنین مطلقه‌ی مستحق نفقه باشد، به طریق اولاً، همسری که هنوز در علقه‌ی زناشویی شخص به سر می‌برد و عضو کانون خانواده محسوب می‌شود مستحق نفقه خواهدبود (طباطبایی ۱۳۷۱: ۱۹: ۶۳۸).

^۱ مردان سرپرست زنان اند؛ به سبب تفاوت‌هایی که خداوند [از نظر آفرینش. روی مصلحت. نوع بشر] میان آن‌ها قرار داده‌است و نیز به‌خاطر تمهیداتی که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخته‌های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند.

^۲ پس زنان. درست‌کار فرمان‌بردار اند [و] به پاس آن‌چه خدا [برای آنان] حفظ کرده‌است اسرار. [شوهران. خود] را حفظ می‌کنند.

^۳ و به عهده‌ی صاحب فرزند [یعنی پدر] است که خوراک و پوشاک مادر را به حد متعارف و شایسته [در مدت شیر دادن و حتا اگر طلاق گرفته‌باشد] بپردازد. هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست [نه مادر به‌خاطر نگهداری فرزند به زبان و زحمت افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک متضرر شود].

^۴ پس از طلاق، زنان را در منزلی که مقدر شما است سکن دهید و به آنان ضرر نرسانید تا آن‌ها را به تنگ آورید و چنانچه حامله باشند تا زمان وضع حمل نفقه‌ی آنان را بپردازید.



روایات در این زمینه بسیار است؛ به خصوص که چنین مسئله‌ی اجماعی است و تمام فقهای خاصه و عامه در مورد وجوب نفقه‌ی زوجه اتفاق نظر دارند. در زیر نمونه‌هایی از این روایات آورده شده است:

پیامبر اکرم^ص در خطبه‌ی حجة‌الوداع، در مورد حق زن بر شوهر فرمود: «فعلیکم رزقهن و کسوتهن بالمعروف»^۱ (عاملی ۱۰۳۴:ق:۵:باب:۱). در این روایت علاوه بر وجوب اصل نفقه، به خوب بودن و شایسته بودن آن‌ها نیز تکلیف شده است. امام صادق (ع) از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: «لمعون ملعون من ضیع من یعول»^۲

استقلال اقتصادی زنان از دیدگاه اسلام و غرب

«لررجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن»^۳ (قرآن:نساء:۳۷). خداوند در این آیه‌ی کریمه، همان‌طور که مردان را در نتایج کار و فعالیت‌شان دارای حق می‌داند، زنان را نیز در نتیجه‌ی کار و فعالیت‌شان دارای حق می‌شمرد. در آیه‌ی دیگر نیز می‌فرماید: «و لرجال نصیب مما ترک الودان و الاقربون و للنساء نصیب مما ترک الودان و الاقربون»^۴ (قرآن:نساء:۳۳)، که در این آیه، حق ارث بردن را نیز برای زنان تثبیت می‌کند (ارث بردن یا نبردن زن تاریخچه‌ی مفصل دارد که در این مختصر نمی‌گنجد).

و اما در اروپا، دوران *دوران* می‌گوید: «نخستین قدم برای استقلال مالی و آزادی مادران بزرگ ما قانون ۱۸۸۲ بود. به موجب این قانون، زنان بریتانیای کبیر از آن پس از امتیاز بی‌سابقه‌ی برخوردار می‌شدند و آن، این‌که پولی را که به دست می‌آوردند حق داشتند برای خود نگه دارند. این قانون اخلاقی، عالی، و مسیحی را کارخانه‌داران مجلس عوام وضع کردند تا بتوانند زنان انگلستان را به کارخانه‌ها بکشانند. از آن سال تا به حال سودجویی مقاومت‌ناپذیری، آنان را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها نید و گرفتار بندگی و جان‌کندن در کارخانه و مکان‌های مختلف دیگر کرده است.» (دوران ۱۳۷۲:۱۵۸).

با کمی دقت متوجه می‌شویم که قرآن کریم سیزده قرن، قبل از اروپا به زن استقلال اقتصادی داد با این تفاوت که:

^۱ پس بر شما باد خوراک و پوشاک زنان‌تان، با نیکی و شایستگی.
^۲ لعن و نفرین است بر کسی که خانواده و عائله‌ی خویش را ضایع کند (یعنی حقوق آنان را تضییع کند یا هزینه‌های زندگی آن‌ها را تأمین نکند).
^۳ مردان را از آنچه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند بهره‌ی است و زنان را از آنچه کسب می‌کنند و به دست می‌آورند بهره‌ی است.
^۴ مردان را از مالی که پدر، مادر، و خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می‌گذارند بهره‌ی، و زنان را هم از آنچه پدر، مادر، و خویشاوندان از خود باقی می‌گذارند بهره‌ی است.

۱- انگیزه‌یی که سبب شد غرب به زن استقلال اقتصادی بدهد، مانند اسلام برخاسته از جنبه‌های انسانی و عدالت‌دوستی و الهی نبود و در انگلستان تنها بعد از تصویب این قانون بود که اعلام کردند که ما حق زن را به رسمیت شناختیم و حقوق زن را مساوی حقوق مرد دانستیم.

۲- اسلام به زن استقلال اقتصادی داد، اما به قول دورانت (۱۳۷۷) خانه‌براندازی نکرد. اسلام با این دو آیه، یک انقلاب عظیم اجتماعی آرام، بی‌ضرر، و بی‌خطر را به وجود آورد.

۳- دنیای غرب، به قول دورانت (۱۳۷۷)، زن را از بندگی و جان‌کندن در خانه رها نید و گرفتار بندگی و جان‌کندن در مغازه و کارخانه کرد، ولی اسلام با الزام مرد به تأمین بودجه‌ی خانوادگی، زن را از هر نوع اجبار و الزام برای تأمین مخارج خود و خانواده معاف کرد. زن در اسلام در عین این که حق دارد طبق غریزه‌ی انسانی خود به تحصیل ثروت و حفظ و افزایش آن بپردازد، زیر فشار جبر زندگی قرار نمی‌گیرد و غرور و جمال و زیبایی، که همیشه باید با اطمینان خاطر همراه وی باشد، از او گرفته نمی‌شود.

اصلاحات در ایالات متحده، از صد سال پیش، هنگامی که قانون‌گذاران ضرورت اصلاح قوانین راجع به وضع زنان شوهردار را دریافتند، آغاز شد و قوانینی جدید، که قوانین رفع حجر زنان^۱، یا قوانین رفع حجر زنان شوهردار^۲ نامیده می‌شد، جای‌گزین قوانین قبل شد. این قوانین، یک‌نواخت نیستند، ولی هدف مشترک آن‌ها این است که به زن، شخصیت حقوقی خاصی ببخشند و او را از حق مالکیتی جدا از مالکیت شوهر برخوردار سازند. آن‌ها می‌خواهند که برای زن حق تصرف مستقل در اموال منقول و غیرمنقول و نیز حقوق معنوی خود را قائل شوند و به او اجازه دهند که به‌عنوان خواهان یا خوانده، بتواند بدون دخالت شوهر به دادگستری مراجعه کند. علاوه بر آن، این قوانین زنان را مسئول جرم و شبه جرم خود نیز قرار می‌دهند.

این قوانین در بعضی موارد دچار تغییراتی نیز شده‌است و گاه دولت به جای شوهر قرار می‌گیرد. در اروپای امروز افرادی وجود دارند که طرفداری از آزادی زن را به جایی رسانده‌اند که از بازگشت دوره‌ی «مادرشاهی» و طرد پدر از خانواده به طور کامل دم می‌زنند. به عقیده‌ی آن‌ها، با استقلال کامل اقتصادی زن و تساوی با مرد در همه‌ی شئون، در آینده پدر عضو زائد شناخته خواهد شد و برای همیشه از خانواده حذف می‌شود. در عین حال، این افراد دولت را دعوت می‌کنند که جانشین پدر شود و به مادران، که قطعاً حاضر نخواهند بود به‌تنهایی تشکیل خانواده بدهند و همه‌ی مسئولیت‌ها را به عهده بگیرند،

¹ Women's Emancipation Acts

² Married Woman's Emancipation Acts



پول و مساعده بدهد تا از بارداری جلوگیری نکنند؛ بدین ترتیب به‌طور کلی وظایف و حقوق پدر به دولت منتقل می‌شود (مطهری بی‌تا: ۴۲۴).

نگاهی به موقعیت زن امروز و نفقه

با توجه به مطالب گفته‌شده، مشخص شد که از نظر اسلام تأمین هزینه‌ی خانوادگی و از جمله مخارج شخصی زن، به عهده‌ی مرد است و زن هرچند که دارای ثروتی هنگفت و چندین برابر شوهر باشد، از این نظر مسئولیتی ندارد و شرکت وی در پرداخت هزینه‌ها، چه از لحاظ پولی که بخواهد خرج کند و چه از لحاظ کار و وقتی که بخواهد صرف کند، اختیاری و وابسته به میل و اراده‌ی خود اوست.

از نظر اسلام با این‌که هزینه‌ی زندگی زن جزء هزینه‌ی خانوادگی و بر عهده‌ی مرد است، مرد حق هیچ‌گونه تسلط اقتصادی و بهره‌برداری از نیرو و کار زن را ندارد. نفقه‌ی زن از این جهت مانند نفقه‌ی پدر و مادر است که در مواردی خاص بر عهده‌ی فرزند است و فرزند در مقابل این وظیفه که انجام می‌دهد هیچ گونه حقی از نظر استخدام پدر و مادر پیدا نمی‌کند (مطهری بی‌تا: ۲۳۰).

اسلام به شکلی بی‌سابقه، در مسائل مالی و اقتصادی جانب زن را رعایت کرده‌است؛ از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال، کار، و حق قیومیت در معاملات زن، کوتاه کرده‌است و از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت تأمین هزینه‌ی خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دودن به دنبال پول معاف کرده‌است؛ البته در این میان، افرادی با فلسفه‌ی نفقه مخالفت می‌کنند و پرداخت نفقه به زن را از جانب مرد به معنای به بردگی گرفتن او می‌دانند؛ ولی ناگفته پیدا است که یا اطلاع کافی ندارند و یا دارای غرض و هدفی خاص اند.

نتیجه و خلاصه‌ی بحث نفقه

از نظر اسلام، حقوق و وظایف زن و شوهر در زندگی زناشویی تفاوت‌هایی با هم دارد و خاستگاه این تفاوت‌ها، وضع طبیعی، و ساختمان و خصایص جسمانی و روانی آنان، با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی است. بر همین اساس، نفقه، همان‌گونه که در کتب فقهی و متون اسلامی به‌صراحت بیان شده، از تکالیفی است که به عهده‌ی مرد گذاشته شده‌است و در صورت عدم پرداخت، حاکم به حکم قانون شرع او را مجبور به انجام این کار خواهدکرد و علاوه‌بر عقوبت دنیایی، کیفر اخروی را نیز در پی خواهدداشت.

منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۳۷۴ق. *لسان العرب*. چاپ ۴. بیروت: دارالفکر.
- اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه. ۱۳۶۱. «نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۱۹۸۴، ۲۳/۴/۶۱».
- امامی، سیدحسن. ۱۳۷۸. *شرح حقوق مدنی*. ج ۲. چاپ ۲۰. انتشارات اسلامیة.
- جریری، عبدالحمان بن عرض. ۱۴۱۷ق. *الفقه علی المذاهب الاربعه*. دارالاحیاء التراث العربی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۵۵. *حقوق خانواده*. چاپ‌خانه‌ی حیدری.
- حکیم‌پور، محمد. ۱۳۸۲. *حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد*. تهران: انتشارات نغمه نواندیش.
- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن‌الحسن. ۱۳۷۳. *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. تهران: نشر استقلال.
- حلی، جمال‌الدین حسن بن یوسف. ۱۳۷۶. *تبصرة المتقین فی احکام دین*. برگردان علی محمدی. متمم چاپ ۲. دارالفکر.
- دورانت، ویل. ۱۳۷۷. *لذات فلسفه*. برگردان عباس زریاب. چاپ ۱۱. تهران: انتشارات فرهنگی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. بی‌تا. *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ ۲. انتشارات مرتضوی.
- شرتونی‌البنائی، سعید الخوری. ۱۸۸۹. *اقراب الموارد*. بیروت: چاپ‌خانه‌ی السیوعیه.
- شریف، علی. ۱۳۴۶. «نقحه در ایران» پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تهران.
- شعرانی، میرزا ابوالحسن. ۱۴۹۸ق. *تشریح طوبی*. انتشارات اسلامیة.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۷۱. *المیزان فی تفسیر القرآن*. برگردان محمدباقر هملانی. چاپ ۸. انتشارات کانون.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. بی‌تا. *تفسیر البیان*. مکتب العلم الاسلامی.
- عاملی، شیخ محمد بن حسن الحر. ۱۳۰۴ق. *وسایل الشیعة*. انتشارات اسلامه.
- عراقی، عزت‌الله. ۱۳۶۹. *حقوق و زن در دوران ازدواج چیست؟* چاپ ۲. تهران: انتشارات راهنما.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب. ۱۳۰۸ق. *القاموس المحیط*. چاپ سنگی. تهران.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۲. *حقوق مدنی (خانواده)*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- محقق داماد، سیدمصطفی. ۱۳۷۴. *بررسی فقهی حقوق خانواده*. چاپ ۵. تهران: نشر علوم‌الاسلامی.
- مطهری، مرتضی. بی‌تا. *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ ۸. انتشارات صدرا.
- مغنیه، محمدجواد. ۱۴۲۰ق. *فقه الامام جعفر صادق ع*. انتشارات انصاریان.
- مقرئ الفیومی، احمد محمد بن علیف. بی‌تا. *المصباح المنیر*. بیروت: دارالفکر.
- مکی، شمس‌الدین محمد. ۱۴۰۶ق. *اللمعة الدمشقیة*. دارالناصر بن جا.
- مهرپور، حسین. ۱۳۷۹. *مباحثی از حقوق زن*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- _____ . ۱۳۷۴. *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- موسوی‌الحمینی، روح‌الله. ۱۹۶۵م. *تحریر الوسیلة*. جلد ۲. انتشارات اسماعیلیان.



موسوی خمینی، روح‌الله، محمد فاضل لنکرانی، محمدتقی بهجت، و میرزاچواد تبریزی. ۱۳۷۸. *رساله‌ی توضیح‌المسائل چهار مرجع*. انتشارات پیام محراب.

موسوی خویی، سیدابوالقاسم. ۱۴۱۰ق. *منهاج‌الصالحین*. جلد ۲. چاپ ۴۸. قم: مدینه‌العلم.

نادی، بن سعدون. ۱۳۷۶. حقوق زن از آغاز تا امروز. برگردان گیتی خرسند. تهران: انتشارات کویر.

نجفی، شیخ حسن محمدباقر. ۱۳۷۷ق. *جواهرالحکام*. تصحیح شیخ‌عباس قوچانی. چاپ نجف.

یثربی قمی، سیدعلی‌محمد. ۱۳۷۶. *حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

Goldstein, Joseph, and Jay Katz. 1965. *The Family and the Law*. New York, NY, USA: The Free Press.

نویسنده

دکتر فهیمه ملک‌زاده،

عضو هیئت علمی دانشگاه

malek900@gmail.com

دانش‌آموخته‌ی دکتری فقه و حقوق اسلامی.

نزدیک به ۱۲ سال سابقه‌ی تدریس در دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد داشته‌است. وی نگارنده‌ی کتاب‌هایی مانند *حقوق ازدواج در اسلام و برخی کشورهای غربی*، *نقش عاطفه در استحکام خانواده*، *طلاق و آسیب‌شناسی جامعه*، *اصطلاحات تشریحی حقوق تجارت*، *بیع و وقف*، و همچنین مقالاتی درباره‌ی موضوعات مختلف فقهی و حقوقی و به‌ویژه خانواده بوده‌است. از دیگر کارهای علمی و پژوهشی وی، می‌توان طرح پژوهشی «انواع ازدواج و استحکام خانواده» را نام برد.